



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۹۱۵-۳۵-۶:
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۶۶۶۵۴۲:
عنوان و نام پدیدآور	گذری بر معماری ایران و تاثیر متقابل آن با فرهنگ مغول
مشخصات نشر	مؤلف ایمان بذری جاغرق.
مشخصات ظاهری	مشهد: مهر سینا ۱۳۹۵.
موضوع	۱۱۰ ص؛ ۱۴/۵×۱۰/۵ سم.
رده بندی دیویی	معماری
رده بندی کنگره	۸۲۴۸/۶۴۱:
سرشناسه	X۰۷۷۰/پ۱۳۲۵۱۲۹ ۶ن
وضعیت فهرست نویسی	ذری: غرق، ایمان- فنی:

ناشر: مهر سینا

نام کتاب: گذری بر معماری ایران و تاثیر متقابل آن با فرهنگ مغول

مؤلف: ایمان بذری جاغرق

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۱۵-۳۵-۶

چاپ: کیان

نوبت چاپ: اول ۹۴

فهرست

۱	سخن نویسنده:
۲	مقدمه
۳	معماری ایران و آسیای مرکزی در دوره ایلخانیان تا عصر تیموری
۶	معماری در دوره ایلخانیان
۲۳	تخصصیات عمده معماری ایلخانی
۲۷	معماری مذهبی و تدفینی
۲۹	معماری غیر مذهبی
۳۰	تزئین معماری
۳۱	طبقات ابنیه
۳۴	رابطه ابنیه با محل
۳۸	خصوصیات ساختمان
۳۸	شالوده
۳۸	پلکان
۳۹	طاقها
۴۴	گنبدها
۵۱	خصوصیات نقشه
۵۱	طاقنماها
۵۲	باطاق و مقرنس
۵۵	محرابها
۵۷	الرافت عناصر ساختمانی
۶۰	هنر گچبری دوره ایلخانی
۶۰	هنر آجرکاری دوره ایلخانی
۶۱	شیوهها و مصالح تزئین
۶۱	گچ
۶۷	کاشیکاری
۷۴	منابع

سخن نویسنده:

کتاب حاضر بر آن است تا به رابطه مثلث گونه سه مقوله تاریخ، فرهنگ و معماری به خصوص در دوران حکومت مغلان در ایران بپردازد. قبل از بررسی این رابطه مطالعه و انتخاب رویکرد مناسب که «عدم» یا «وجود» و در صورت وجود «نوع و میزان» این رابطه را مشخص نماید، لازم می نمود. بدینسان گام نخست پژوهش مطالعه روانشناسی محیطی و رویکردهای مختلف آن بود تا چهارچوبی مشخص برای گامهای بعدی بدست دهد. چهار رویکرد در روانشناسی محیطی ارائه شده اند که هر یک به نوعی مبین این رابطه اند. سپس به رابطه تاریخ، و فرهنگ و معماری پرداخته شده است. در این مسیر کوشش شده تا استفاده از اطلاعاتی که در کتب، مقالات و تحقیقات موجود در دسترس هست متنی مانع از جامع ارائه گردد. موضوع کتاب فرا رفتن از حوزه کتب معماری و استمداد از علوم انسانی بویژه کتب روانشناسی، جامعه شناسی و پدیدار شناسی را ناگزیر می ساخت. کتب فرهنگ لغت برای واکاوی واژگان مرتبط استفاده شده اند، ضمن اینکه مصادیقی از حوزه ادبیات در ادای حق مطلب و افزودن بر غنای ادبی نوشتار به مد نظر گرفته شده اند.

سرزمین کهن ایران که ریشه در تاریخ چند هزار ساله جهان دارد، هرچند بارها دستخوش تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته و دوره‌هایی را تحت حاکمیت آنان به سر برده، با این همه، با بهره‌گیری از تمدن و فرهنگ ریشه‌دار و نیرومندش، نه تنها تجدید حیات کرده، بلکه اشغالگران را به کلی در تمدن و هنر خود مستهلک نموده و آنان را در شمار پیروان و مروجان علم، هنر و صنعت ایرانی درآورده است. پیش تاریخ فرهنگی ایران که نزدیک به هفت تا هشت هزار سال پیش از این در ساخت بت‌های گلین سپیده زد، نشانه‌ای عمومی و فراگیر از نخستین تلاش هنری آدمیان است. این منطقه که تنوع جغرافیایی فراوان و غنای اقلیمی خاصی دارد، در طول تاریخ با ابداعات هنری، علمی و صنعتی، به پیشرفت آدمی کمک و افزای کرده و از دیرباز سرچشمه بسیاری از عوامل تمدن و فرهنگ خاور نزدیک بوده است؛ چنان که رنه گروسه، مستشرق سرشناس غربی، در معرفی ایران آورده است:

سرزمین ایران چون دژی مستحکم یکی از باستانی‌ترین تمدن‌های جهان کهن، یعنی تمدنی را که از پنجاه سده [گذشته] به این سو پیوسته تجدید شده و به طرز حیرت‌آوری ادامه یافته، در خود حفظ کرده و مشعلی را که در بامداد تاریخ بر آفتاب از فلات ایران افروخته شده، همچنان شعله‌ور نگاه داشته است.

فرهنگ ایرانی از دیرباز دارای دو ویژگی ممتاز بوده که همواره این دو شاخصه رشد و گسترش آن را در پی آورده و در اعصار مختلف، به ویژه در عرصه هنر، حوزه نفوذ و تأثیر آن را از قملروی جغرافیایی‌اش فراتر برده است. این دو مشخصه تاریخی که به عواملی همچون محیط جغرافیایی و گذشته افتخار آمیز فرهنگی مربوط می‌شود، عبارت‌اند از: تعاضد ایرانیان از زمان باستان با افکار، آثار و هنرهای دیگران و دریافت و یادگیری و سپس ترکیب و تألیف و تکرار آن‌ها و همچنین استعداد شگرف مردم ایران از حیث استقامت و ثبات در بقا و دوام تاریخ فرهنگ و هنر خود.

تجلیل خصوصیت نخست در تعاملی است که صنعتگران و هنرمندان ایرانی با آموزه‌های اسلام، پس از گرویدن ایرانیان به این دین مبین، داشتند و تمام تجربیات فنی، هنری و معنایی باستانی خود را در خدمت آیین نو درآوردند و با درآمیختن با فرهنگ‌های دیگر ملل مسلمان جهان، پایه‌های هنر اسلامی را بنیاد نهادند، پروفیسور پوپ در این باره در کتاب شاهکارهای هنر ایران آورده است:

هنگامی که اروپا در چهل و تاریکی به سر می‌برد، فرهنگ و هنر اسلامی نیمی از جهان را منور ساخت و گرچه نواحی دیگر در این قسمت شرکت داشتند، لیکن منبع اصلی و سرچشمه این نور ایران بود.

نمونه بارز استقامت و پایداری ایرانیان در حفظ، بقا و دوام اصالت‌های فرهنگی و هنری را می‌توان با مرور به تاریخ تهاجم وحشیانه مغولان به این سرزمین مشاهد کرد. حملات سبعانه و ویرانگر قبایل

صحراگرد مغول که اشغال بخشی از خاک ایران را به همراه داشت، اهدافی همچون اقامه رسوم و ترویج اصول اداری مغولی و چینی را نیز دنبال می کرد. از این رو، اخلاف هولاکو که به نام ایلخانیان در ایران حکومت کردند، اجرای یاساوترویج چاو را در ایران آزمودند و پس از مایوس شدن از اجرای آن ها و موفق نشدن دربرانداختن و از بین بردن تمدن و فرهنگ حاکم بر این سرزمین، با وجود مراده با پاپ و ارتباط با سلاطین مسیحی در اروپا، انجام آیین اسلام را پذیرفتند و رفته رفته مقهور تمدن و تربیت ایرانی و اسلامی شدند.

در دوره حاکمیت ایلخانیان و تیموریان بر ایران، هنر ایرانی در بسیاری از عرصه ها، از جمله در فنون مربوط به معماری، تزیینات ساختمانی، نقاشی و تولید نسخ مصور درخشش فوق العاده ای یافت و از محدود جغرافیایی خود فراتر رفت و به دیگر نقاط جهان آن روز و مکاتب هنری آن روزگار سرایت کرده و تأثیر عمیقی گذارد.

معماری ایران و آسیای مرکزی در دوره ایلخانیان تا عصر تیموری

در پاییز سال ۱۲۵۳ م. خان بزرگ مغول، یعنی منگوقاآن (Mongke) که نوه چنگیز خان و حاکم بزرگ مغولان در چین بود، ساسانی بزرگ را به فرماندهی برادرش هلاکو، برای جنگ با اسماعیلیه در شمال ایران و خلیفه عباسیان در بغداد روانه این مناطق کرد. هلاکو در سال ۱۲۵۸ م. از راه ایران به سرعت وارد بغداد شد، و این شهر را به تصرف خود درآورد. او که همه شهرهای سرراش، تا بغداد را تسلیم خود کرده، و آن شهرهایی سرراش تا بغداد را تسلیم خود کرده، و آن شهرهایی را که تسلیم نمی شدند غارت و ویران کرده بود، در بغداد به عنوان پادشاه نشاند. خان بزرگ، بر مسند حکومت ایران تکیه زد و به طور رسمی حکومت ایلخانیان را در ایران پایه گذاری کرد.

هلاکو و جانشینان او که زندگی به شیوه ایلپاتی و چادری را ترجیح می دادند و غالباً زمستان ها در مناطق گرم تر بین النهرین، و تابستان ها در دشت های سرسبز شمال غرب ایران در چادرها سکونت داشتند، به امر معماری و ساختمان توجهی نداشتند؛ بنابراین آن چه از نیمه دوم سده سیزدهم میلادی، از معماری در این مناطق به یادگار مانده تعداد کمی ساختمان معمولی است.

ایلخانیان بر سرزمین وسیعی، که از کناره های مدیترانه، تا سواحل اقیانوس هند و منطقه قفقاز امتداد می یافت و براساس نقشه جهانی امروز، مناطق غرب افغانستان، ایران، جنوب روسیه، شرق ترکیه و عراق را شامل می شود حکومت می کردند، ساختمان هایی با سبک های معماری متفاوت از خود به جای گذاشتند که زمین لرزه های متعدد، تاخت و تازهای مکرر و اشغال گری های پی در پی بیش تر آن ها را از بین برده و تنها نمونه هایی پراکنده و مخروبه در پایتخت های این سلسله یعنی: شهرهای مراغه، تبریز، بغداد و سلطانیه، به جا مانده که تعریف و توصیف کامل بیش تر آن ها، از کتب تاریخی به دست ما رسیده است. البته اینیه ای که از دوره ایلخانیان در مرکز و غرب ایران باقی مانده، سبک های معماری